

ترك انفاق

موضوع ترك انفاق از لحاظ کیفیت و کمیت آن در دادسرا قابل اهمیت است و بنا براین بحث درباره آن بی ارزش نخواهد بود.
بنا بماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی :

« هر کس حاضر برای دادن مخارج ضروری زن خود در صورت تمکین زن نشود و طلاق هم ندهد بحبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد .

هر کس با داشتن استطاعت نفقه سایر اشخاصی را که مطابق قانون واجب النفقه او میباشند ندهد بمجازات فوق محکوم خواهد شد .

در مورد این ماده تعقیب منوط بشکایت مدعی خصوصی است در صورت استرداد شکایت یا انجام یکی از دو شق مذکور در قسمت اول این ماده (دادن مخارج یا طلاق) تعقیب و یا اجرای حکم موقوف میشود .
در این ماده چند مورد قابل بحث است :

دعوی زن راجع به نفقه زمان گذشته جنبه جزائی ندارد و دادسرا نمیتواند باین دعوی رسیدگی کند زیرا :

اولاً- از جمله اول ماده ۲۱۴ مذکور فوق باین شرح :

« هر کس حاضر برای دادن مخارج ضروری زن خود در صورت

تمکین زن نشود » و بخصوص از کلمه « نشود » استنباط میشود که وقوع یا عدم وقوع جرم ترك انفاق برای اولین بار نزد قاضی تحقیق در حین رسیدگی معلوم میشود و در حقیقت مأمورین شهربانی یا ژاندارمری متهم را از این لحاظ که تقصیری مرتکب شده نزد قاضی نمیآورند بلکه او را بدادسرا میآورند تا تقصیر یا بیگناهی او معلوم شود و قاضی دادسرا موظف است که از متهم استعلام نماید که حاضر برای دادن مخارج ضروری زن خود هست یا نه ؟ و در صورت اول قرار منع تعقیب و در صورت اخیر قرار بجرمیت صادر نماید .

قانون مجازات نظر بخرج گذشته ندارد و الا کلمه « نشده » را در ماده مذکور بجای « نشود » بکار میبرد .

ثانیاً - در همین جمله ماده ۲۱۴ « مخارج ضروری » قید شده و بدیهی است که مخارج گذشته شاکیه برای مشارالیه ضروری و حیاتی نیست .

ترك اتفاق

ثالثاً - باستناد جمله اخیر ماده مذکور در هر مرحله‌ای از تعقیب (حتی در حین اجرای حکم) چنانچه متهم حاضر بدادن مخارج شود اجرای حکم موقوف میشود. معلوم میشود که نظر قانون بر این بوده که ترك اتفاق که جرم مستمری است با دادن نفقه در هر حال استمرار آن قطع میشود و دیگر جرمی وجود ندارد تا قابل تعقیب باشد.

رابعاً - عمل اتفاق در ردیف اعمالی است که ترك آنها مسئولیت جزائی برای شخص ایجاد مینماید مثل اینکه راننده وسیله موتوری در حین حرکت در موقع لازم ترمز نکرده و در نتیجه عابری را مصدوم نماید. در این مثال چون صدمه وارد به شخص عابر فوراً جبران پذیر نیست لذا متهم نمیتواند برای برائت خود ادعا نماید که بلافاصله پس از تصادف ترمز کرده است ولی در ترك اتفاق همینکه اقدام بعمل اتفاق شد چون وضعیت سابق برای زوجه اعاده گردیده دیگر متهم قابل تعقیب جزائی نیست.

خامساً - با توجه بماده ۱۲۰۶ قانون مدنی و اینکه در ماده مزبور میگوید :

«زوجه در هر حال میتواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوی نماید.»

معلوم میشود که دعوی نفقه زمان گذشته زوجه فقط مربوط به محکمه حقوق است.

۲ - بنا به موارد مذکور فوق برخلاف کلیه موارد مربوط به اعلام جرم که از شاکی کسب دلیل میشود در مورد ترك اتفاق چون خرجی زمان گذشته جنبه جزائی ندارد قاضی تحقیق نباید از شاکیه شاهد بخواهد و لازم نیست از او کسب دلیل نماید زیرا بر این عمل چند ایراد وارد است :

اولاً - کسب دلیل راجع بگذشته است و گواهان راجع بگذشته شهادت خواهند داد و حال آنکه اصولاً چنانکه گذشت ترك اتفاق گذشته فاقد جنبه جزائی است و بنابراین کسب دلیل از شاکیه اصولاً موافق قانون نیست.

ثانیاً - پرونده برای مدتی بیهوده معطل خواهد ماند و بعلاوه زوجه (شاکیه) نیز مدتی بدون نفقه خواهد ماند و سرگردان خواهد شد و چه بسا که گرسنگی و بی خانمانی او را متحرف خواهد نمود.

بعقیده نگارنده بلافاصله پس از آنکه طرفین پرونده ترك اتفاق نزد قاضی تحقیق حاضر شدند مشارالیه موظف است که موضوع دادن یا ندادن نفقه را از متهم استعلام و بر حسب پاسخی که متهم میدهد اقدام نماید.

نکته قابل توجه اینست که اظهار زوج به پرداخت نفقه در نزد قاضی نباید کافی برای برائت وی باشد زیرا ممکنست بلافاصله پس از این اظهار و خروج از دادسرا مجدداً ترك اتفاق نماید و یا اینکه اصولاً قصد و نیت اتفاق نداشته و فقط لفظاً اظهار به دادن خرجی نماید بنا بر این بنظر اینجانب اظهار متهم به اینکه حاضر است نفقه عیال خود را پرداخت نماید نایستی کافی برای صدور قرار منع تعقیب باشد بلکه قاضی تحقیق باید از موضوع پرداخت نفقه اطمینان حاصل کند.

در هر حال چنانچه متهم مبلغی (حتی برای خرجی یکروز) به شاکیه پرداخت

ترك افاق

نماید و یا اینکه شاکیه گذشت ازدعوی خودرا اعلام نماید (یا زوجه خودرا طلاق دهد) سبب قرار موقوفی تعقیب وی ایجاد شده است.

۳ - بنا بماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی قاضی تحقیق موظف است از متهم سؤال نماید که حاضر است زن خودرا طلاق بدهد یا نه و ازاین لحاظ قضیه را مورد توجه قرار داده و سپس تصمیم مقتضی اتخاذ نماید ولی بنظر اینجانب اظهار متهم مبنی بر اینکه (زن خودرا طلاق میدهم) کافی برای برائت او نمیشد و مادام که زن در قید زوجیت او است ملزم به انفاق میباشد و وقتی میتوان نظر بمنع تعقیب متهم داد که سند طلاق عیال خودرا در دست داشته باشد.

۴ - تمکین زن یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم ترك افاق میباشد و چنانچه زن صریحاً عدم تمکین خودرا اعلام نماید مستحق نفقه نیست تمکین زن را موارد متعددی تشکیل میدهد و دو مورد آن در قانون مدنی ذکر شده است :

یک مورد هنگامی است که برطبق ماده ۱۱۰۸ قانون مذکور زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند و دیگر حکم قانونی است که در ماده ۱۱۱۴ ذکر شده مبنی بر اینکه زن باید در منزلی که شوهر تعیین میکند سکنی نماید. معلوم میشود که ادای وظایف زوجیت و سکونت در منزلی که زوج تعیین مینماید مواردیست که چنانچه زن از آنها امتناع نماید حق مطالبه خرجی ندارد.

ولی تمکین یا عدم تمکین زن در بعضی موارد باین سادگی معلوم نمیشود. مثلاً ممکن است زن ادعا نماید که در منزل شوهرش بعلت خوف ضرر بدنی یا شرافتی نمیرود در اینصورت دادسرا نمیتواند قرار مجرمیت یا منع تعقیب متهم را صادر نماید بلکه باید برطبق ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی و ماده ۱۲ قانون ازدواج رفتار نماید و قاضی تحقیق فقط هنگامی میتواند تصمیم جزائی اتخاذ نماید که شاکیه حکم صادره از دادگاه ار در دست داشته باشد.

حال اگر زن در محضر دادگاه ثابت کرده است که ترك منزل سبب خوف ضرر بدنی یا مالی است و حکم قانونی مبنی بر ترك منزل شوهر در دست دارد متهم ملزم بدادن نفقه است که در صورت امتناع مستحق مجازات میباشد و در غیر اینصورت میتوان نظر بمنع تعقیب او داد.

یا اینکه زوجه عدم تمکین خودرا ضمن جمله ای اعلام مینماید مثل اینکه میگوید:

« چون شوهرم میخواهد مرا در یک منزل خرابه ببرد من آنجا نمیروم »

در این صورت قاضی تحقیق باید این موضوع را بررسی نماید که آیا منزل مذکور مطابق شئون خانوادگی و اجتماعی و مناسب با وضعیت زندگی زن هست یا نه و بر حسب نتیجه رسیدگی خود تصمیم بگیرد.

۵ - چنانچه در حین رسیدگی بدعوی ترك افاق پس از تکلیف صلح شاکیه گذشت خویش را مقید به دریافت نفقه زمان گذشته نماید در اینصورت چون اصولاً دادسرا

ترك اتفاق

به خرجی گذشته رسیدگی نمیکند مثل اینست که شاکیه فعلاً گذشت نکرده است باین معنی که گذشت خویش را مقید به شرط کرده است که این شرط ممکنست حتی غیر از شرط مذکور (دادن خرجی گذشته) باشد.

۶ - دعوی ترك اتفاق در ردیف آن دعاوی نیست که پس از یکمرتبه رسیدگی و مختومه شدن پرونده کار باردیگر قابل رسیدگی نباشد و باعتبار ترك اتفاق مجدد شکایت مجدد پذیرفته میشود.

بنابراین چنانچه مثلاً متهم در دایره خرجی سه روز عیالش را پرداخت نمود و پس از خاتمه سه روز از ادامه عمل اتفاق امتناع نمود شاکیه میتواند مجدداً شکایت نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی